

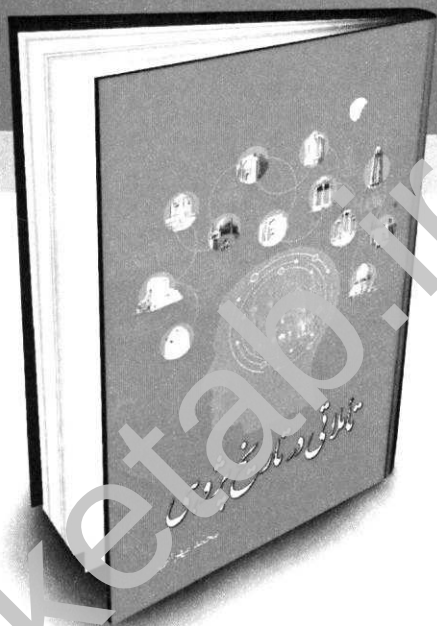
3027

۳۵۵  
۱

۴۱۷  
باران



نشر ادیان



سرشناسه : مهرایی، محمد، ۱۳۴۰-

عنوان و نام پدیدآور : تأملاتی در تاریخ پژوهی / محمد مهرایی.

مشخصات نشر : قم: نشر ادیان، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۴۱۶ ص.

فروست : نشر ادیان؛ ۱۵۴.

شابک : 978-964-7598-56-6

وضعیت فهرست نویسی : فیا.

موضوع : تاریخ، تحقیق.

موضوع : تاریخ نویسی.

شناسه افزوده : دانشگاه ادیان و مذاهب.

رده بندی کنگره : ۱۳۹۷ ت ۲ ۹ / ۱۶ D

رده بندی دیویی : ۹۰۷/۲

شماره کتابشناسی ملی : ۵۰۵۶۷۲۲

# آلاتی در تاریخ پژوهی

محمد مهربانی

نشر ادیان

۱۵۴

## تأملاتی در تاریخ پژوهی

- تألیف: محمد مهربانی
- ناشر: نشر ادیان
- نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۷
- شمارگان: ۳۰۰ نسخه
- چاپ: دفتر فنی افق
- قیمت: ۳۰،۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۹۸-۵۶-۶
- حق چاپ و نشر محفوظ است.

### • مراکز پخش:

قم، پردیسان، روبه روی مسجد امام صادق (ع) دانشگاه ادیان و مذاهب.

تلفن: ۱۳ - ۳۲۸۰۲۶۱۰ (۰۲۵)، ۳۲۸۰۳۱۷۱ (۰۲۵)

تلفکس مرکز پخش و فروش: ۳۲۸۰۶۶۵۲ (۰۲۵)

فروشگاه اینترنتی:

[www.adyanbook.ir](http://www.adyanbook.ir)

اهداء:

۱. تقدیم به پدر و استاد بزرگوارم که دامانش از هر گونه ناشایستگی،

پاک و بی‌نخال چسبه آب بود. او که درس آزاد زیستن و آزاد

اندیشیدن را به ما آموخت. روحش شاد و یادش گرامی

۲. هدیه‌ای است در برابر صداقت و پاکی پدر مرحوم شهیدم که جز

تلاش و کوشش در زندگی را نمی‌بینید و آن را بر ما توصیه می‌کرد.

## فهرست

سخن ناشر ..... ۱۱

پیش‌گفتار ..... ۱۵

### فصل اول: واژگان تاریخ

تاریخ در لغت ..... ۲۷

تاریخ در اصطلاح ..... ۲۷

الف) تاریخ از منظر منکران یا منفی‌گرایان تاریخ ..... ۳۲

ب) تاریخ از منظر موافقان و تاریخ‌باوران (مطلوب‌طلب‌ها و اثبات‌گرایان) ..... ۳۸

موضوع تاریخ ..... ۴۵

### فصل دوم: انواع گزارش‌های تاریخی

تاریخ نقلی ..... ۵۱

الف) نقل تاریخ به گونه‌ی صرف حوادث ..... ۵۱

ب) تاریخ توصیفی ..... ۶۰

تاریخ تحلیلی ..... ۶۵

۶۶..... الف) اصل تحلیل و ضوابط مندی

۶۷..... ب) اصل گزینش یا انتخاب

۷۶..... ویژگی‌های تاریخ تحلیلی

۷۸..... ابزارهایی که در تاریخ تحلیلی می‌توان از آن استفاده کرد

### فصل سوم: تاریخ در بستر نقد و انحراف

۸۳..... نقد تاریخی

۹۵..... تاریخ و دیناری نویسی

۱۰۲..... نوشته‌ها، دیناری

۱۱۲..... سیکل تاریخی

۱۲۰..... تحریف تاریخ

۱۳۳..... تکرار تاریخ

۱۳۹..... تاریخ و خاطرات

### فصل چهارم: تاریخ و شباهت‌های تاریخی

۱۵۵..... تاریخ و داستان و قصه

۱۵۷..... داستان و حماسه

۱۶۰..... قصه

۱۷۴..... داستان‌ها و قصه‌های قرآن

۱۹۲..... اسطوره و تاریخ

۱۹۲..... اسطوره

۱۹۶..... علل شکل‌گیری اسطوره

۲۰۴..... ارتباط اسطوره با تاریخ

## فصل پنجم: تاریخ و بینش

|     |                            |
|-----|----------------------------|
| ۲۱۱ | بینش تاریخی                |
| ۲۱۹ | روش‌مندی یا متدولوژی تاریخ |
| ۲۲۶ | تاریخ و علم                |
| ۲۳۸ | تاریخ و عقل                |
| ۲۵۱ | تاریخ و خرد                |

## فصل ششم: تاریخ و سنجش

|     |                                    |
|-----|------------------------------------|
| ۲۵۹ | ارزش و فایده تاریخ                 |
| ۲۶۰ | ارزش تاریخ                         |
| ۲۶۵ | فایده تاریخ                        |
| ۲۷۰ | تاریخ و هنر                        |
| ۲۷۸ | تاریخ و علوم اجتماعی (جامعه‌شناسی) |
| ۲۸۸ | نخبگان در تاریخ                    |
| ۲۹۶ | تأثیر نخبگان بر تاریخ              |
| ۳۰۴ | مورخ بر فراز تاریخ                 |
| ۳۱۵ | استناد به تاریخ                    |
| ۳۴۵ | خاتمه                              |
| ۳۴۷ | انضمام                             |
| ۳۵۷ | منابع و مآخذ توصیفی                |

## سخن ناشر

از زمان‌های بسیار دور، تاریخ و آنچه مربوط به آن است، پیوسته مورد توجه بوده و عمر و اهمیت آن به درازای عمر بشر می‌رسد. نمی‌توان از انسان یاد کرد و نامی از تاریخ به میان نیاورد، چرا که انسان در دل تاریخ و تاریخ محیط بر گذران زندگی اوست. اگر تاریخ را گزاره‌ها و داده‌های گوناگون انسان و جهان ماورای او در گذشته تعریف کنیم؛ این گذشته، خود شامل زمان‌بندی‌هایی است که دست‌یابی به حقیقت پدیده‌ها و رویدادها را با پیچ و خم‌هایی مواجه می‌سازد. تاریخ و دوران ماقبل تاریخ، تاریخ و دوران تاریخی، تاریخ و دوران باستان، تاریخ و قرون وسطی، تاریخ مدرن، تاریخ معاصر، گزارش‌های تاریخی، خاطرات تاریخی و...؛ که البته همین ویژگی، باعث نوعی پیچیدگی و درهم تنیدگی در موضوع می‌شود. از طرفی، اگر تاریخ را بیان‌گر فرهنگ و تمدن و سیر صعودی و نزولی آن در جامعه‌ها بدانیم، به یقین علم آن نیز از جایگاه ویژه برخوردار است؛ که اندیشیدن و آموزه‌های نوشتاری و پژوهش‌های گفتاری و بررسی‌های کرداری را نیز در بر داشته و

این خود، پیچیدگی‌ها را افزون کرده است. از این جاست که این قلم در صدد برآمده تا مرزهای تاریخ با دیگر آثار به‌جای مانده در زمینه علوم انسانی را تا حد ممکن نمایان سازد. این نگارش، تاریخ و داستان، تاریخ و قصه، تاریخ و اسانه، تاریخ و اسطوره، تاریخ و درباری‌نویسی، تحریف تاریخ و... را که ممکن است با ساخته‌ها و بافته‌های ذهن آدمی همراه شده باشد، به بحث و بررسی گذاشته است. در عین حال و در لابه‌لای مباحث، تاریخ و قصه‌های قرآن و مناقشات که نسبت به آن شده را مطرح ساخته؛ تا شاید گره‌ای را باز گشاید. سیکل تاریخی را گردش دورانی تاریخ، استناد به تاریخ و... از دیگر مباحث کلیدی این نوشتار است که گاهی با ساخته‌های تخیلی و یا منفعت‌طلبی‌های فردی و شخصی یا حقایق تاریخی ممزوج و مخلوط شده و ممکن است سرنوشت ملتی را رقم بزند که تفکیک آن از اهم امور است.

شناختن و دانستن حقایق تاریخ، جز جداناشدنی یک پدیده تاریخی است؛ که اگر به‌خوبی انجام نگیرد، به یقین مسئله ناقص و نا به سامان خواهد بود. بر این اساس این نوشته تلاش کرده تا حداقل مایی را در اختیار جویندگان و پویندگان حقیقت قرار دهد تا شاید کمک و راه‌کاری برای حقیقت‌یابی و تاریخ‌پژوهی باشد. البته این مسئله جدیدی نیست و بزرگانی از قدیم الایام در این امر مهم کوشیده‌اند تا این مسئله را گوشزد نمایند ولی به نظر می‌رسد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مثلاً توسیدید، پدر روش علمی تاریخ چنین می‌گوید:

«بر روی هم، من گمان می‌کنم نتیجه‌ای که از این اسناد و دلایل گرفته‌ام،

کاملاً قابل اعتماد باشد. یقین دارم که این سخنان با داستان‌های شاعرانی که گزافه‌گویی را هنر خویش می‌شمارند با نوشته‌های راویانی که حقیقت را فدای دل‌انگیزی آثار خویش می‌سازند، باطل و بی‌اثر نخواهد شد. زیرا آنچه اینان می‌گویند، دلیل و مدرکی ندارد و با گذشت زمان ارزش تاریخی خویش را از دست می‌دهد و در قلمرو اساطیر جای می‌گیرد؛ اما چون از این دو روی برگردانیم، به حقایق مسلم و تردیدناپذیری می‌رسیم که شایسته اعتمادند؛ نتایجی حاصل می‌کیم که چنان‌که باید با رویدادهای ادوار قدیم سازگارند.

به هر حال تاریخ با رویا و یا تخیلات ساخته و پرداخته ذهن که ممکن است واقعیت خارجی نداشته باشد، بسیار متفاوت و تفکیک و دقت در آن امری شایسته و غیر قابل انکار است.

در پایان وظیفه خود می‌دانیم از تلاش نویسنده گرامی قدردانی و تقدیر کرده و امید داشته باشیم که این اثر تواند نهایت خاطر مخاطبان ارجمند و گرانقدر ما را فراهم آورد.

## پیش گفتار

شناخت و بیش ما نسبت به طبیعت و آنچه در آن جریان دارد، بستگی به پژوهش و دقت نظر ما نسبت به میان طبیعت و ماورای آن، یعنی جهان هستی دارد.

از آنجا که قدرت فهم و توانایی روحی و جسمی انسان‌ها در شناخت هر موضوع یکسان و مساوی نیست، به همان اندازه افراد نسبت به آن موضوع شناخت و آگاهی پیدا می‌کنند که توانایی آن را دارند.

استعدادهای فرد نسبت به پژوهش در هر امری از یک سو و علاقه و احتیاج آن فرد نسبت به آن موضوع از سوی دیگر، تسلط و آگاهی فرد را نسبت به آن امر آشکارتر و روشن‌تر می‌سازد. از همین جاست که اختلاف نظرها و تفاوت آرا به وجود می‌آید.

چه بسا این اختلاف‌ها و تفاوت اندیشیدن‌ها در مسائل فکری و غیرمادی و غیرتجربی به مراتب بیش‌تر از امور مادی و تجربی باشد. تاریخ و مسائل تاریخی از جمله همین مباحث است، چرا که از امور طبیعی و محسوس به حساب نمی‌آید و ممکن است بعضی از مباحث آن تکرار شدنی و قابل تجربه نیز نباشد.

این موضوع زمانی دارای شدت و سختی بیش‌تری است که شناخت آن نیاز به فکر و دقت قابل تأملی داشته باشد. یعنی: شناخت موضوع به فعل و انفعالات مغزی انسان آن‌هم با منطق و استدلال‌های نامأنوس و سنگین سروکار داشته باشد.

تحقیق و پژوهش و کنجکاوی درباره تاریخ به‌ویژه تاریخ انسان، همانند هر پژوهش و فعالیت علمی دیگر، ناگزیر اصول و مقرراتی دارد؛ که رعایت آن پژوهش‌گر را برای رسیدن به حقیقت و نتیجه‌گیری درست کمک شایانی می‌کند. چه‌بسا اگر این مقررات و اصول رعایت نشود، پژوهش آلوده به شبهات خواهد شد و گریبان کاوش‌گر تاریخ را می‌گیرد و وی را دچار چالش و سردرگمی می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که محقق و مورخ از مقصد و منظور واقعی به‌دور خواهد ماند.

فهم و برداشت ما از مفاهیم و معانی در مواردی بیش از آن‌که مطابق ذهنیت بنیان و واضعان آن مفاهیم و معانی باشد، برخاسته از لایه‌های سطحی و ظاهری چنین واژه‌هایی است. مسائل ملموس و رونما، بیش‌تر تبادر و ارتکاز به ذهن دارد.

تاریخ اگر چه محصول عمر بشر و با وی هم‌زاد و از الفاظ کبیرالاستعمال بوده و هست، اما در وقایع تاریخی مکتوب و مرتبط همواره گسیختگی و ناپیوستگی‌هایی وجود دارد که متناسب با اهمیت و تأثیرشان در زیست‌امروزین، پژوهش و تعمقی درخور، صورت نگرفته است.

تعریف عمومی و کلی یا جامع و مانع، نیاز به فضای ویژه و خاص خود دارد؛ چرا که مقتضیات زمان و مکان، انگیزه و روحیات مورخ،

تغییر و تحولات اجتماعی، شرایط جغرافیای تاریخی، برداشت انسان‌ها از تاریخ و علوم انسانی، همه و همه در نامفهوم بودن این «واژه» تأثیر به‌سزایی داشته و باعث شده تا تعریفی جامع و مانع و هماهنگ از واژه «تاریخ»، به دست نیاید.

زان پل سارتر می‌گوید: «استنتاج هر کس از تاریخ به بینش و نژاد و تربیت او بستگی دارد».<sup>۱</sup> اگر تاریخ به استنتاج فرد که نشأت گرفته از بینش و نژاد و تربیت اوست، بستگی داشته باشد، طبیعی است که محیط و تحولات زمان در فهم افراد مؤثر واقع شود و ممکن است نتایج همگون و فراگیری در بر نداشته باشد؛ در نتیجه، تعریف کلی و همه‌گیر ارائه نخواهد شد. از طرفی خود این بیان یک امر کلی فراگیر نیست؛ چرا که حقیقت‌یابی و وظیفه‌شناسی پژوهشگر نیز تأثیر به‌سزایی دارد.

توضیح و بیان بیش‌تر این مطلب بستگی به نکات ذیل دارد:

**نکته نخست:** توصیف و تعریف این «واژه»، گاهی با ضد و نقیض‌هایی توأم بوده و منتقدان و مفسران را در سرایش و پیچیدگی قرار داده است؛ به‌طوری‌که از «یک واقعه تاریخی» نظریات گوناگونی از خود ارائه داده‌اند و تاریخ را مخرب و درجا زننده معنی کرده‌اند و در کوچه‌خمس‌های مهمل‌گویی و بغرنج‌سازی گرفتار شده‌اند.

ناپلئون بناپارت می‌گوید: «تاریخ جز گمراه‌کردن مردم فایده دیگری ندارد».<sup>۲</sup>

۱. بزرگان چه گفته‌اند؟، ص ۹۰.

۲. همان.

همین ناپلئون امپراتور فرانسه، زمانی که قدرت از وی روی گرداند و به جزیره سنت هلن تبعید شد، این جمله تاریخی را گفته: «من همیشه می‌بنداشتم شمشیر بر جهان حاکم است، اما اکنون پی برده‌ام که آنچه به راستی بر دنیا فرمان می‌راند، اندیشه است».<sup>۱</sup> نقشِ ثبتِ وقایعِ تاریخی همین جاست که نشان می‌دهد قدرت‌مندان و اثرگذاران در جامعه، وابسته به فرمان و شرایط هستند و با توجه به وضعیت و تغییر جایگاه‌شان تغییر موضع می‌دهند و اندیشه‌شان دگرگون می‌شود.

این جمله در تاریخ ثبت شده و حاکی از دو امر مهمی است که در زندگی بشر بسیار مؤثر است؛ نخست: قدرت تا ابد برای کسی ماندگار نیست؛ که اگر فرمانروایان گوشی برای شنیدن و چشمی برای دیدن داشته باشند، نادیده و نشنیده‌اش نمی‌گیرند. دوم: قدرت با اتکا به سرنیزه و شمشیر، عمری طولانی نخواهد داشت. در ژرژ گوروویچ<sup>۲</sup> استاد بزرگ دانشگاه سوربن بر این عقیده است: «به سرنیزه نمی‌توان تکیه زد و حال آن‌که روی آن نمی‌توان نشست».

**نکته دوم:** در ابتدا به نظر می‌رسد که واژه «تاریخ» ساده و بسیار ساده است؛ در حالی که با تفحص و تمرکز درمی‌یابیم که پندار ساده و بدون پیچ‌وخم نیست تا بتوان پایه و بنیان نظریه‌ای علمی و قانونمند از آن به‌دست آورد. بدین معنا که داده‌های تاریخی، اعم از حوادث اتفاقی و مکرر، و با کشف ارتباط بین آنان، فرضیه ایجاد کردن و آن را در معرض

۱. آگاهی و جامعه، ص ۹ - ۸.

2. Georges Gurvitch (1894-1965).

آزمون و خطا قرار دادن و به دست آوردن نتیجه روان و قانونمندی، کاری بس دشوار و ناهموار است.

یک فرد غیرمتخصص و یا حتی دانای این فن که آن را کاملاً قابل درک و ملموس می‌داند، با ژرف‌نگری بیش‌تر، کندوکاو در تاریخ را چنان فنی و سنگین می‌بیند، که با الفاظ زبانی، رازها و مفاهیم پیچیده روبه‌رو می‌شود؛ که به آسانی نتیجه‌گیری نظری و علمی را در پی نخواهد داشت.

**نکته سوم:** هر واژه و لفظی به خودی خود هیچ‌گونه مدلولی در ظاهر و واقعیت ندارد؛ آن چه هست هدف واضح و طریقه هدفمندی و تأثیر بر فهم و درک مخاطبان است؛ که البته سیاق کلام و سبک نوشتاری تا حدودی قرینه می‌شود تا مفهوم و مدلول منظور از «کلام» را تا اندازه‌ای مشخص و معین گردانند.

در تمامی زبان‌ها و گفتمان‌ها، الفاظ و واژه‌هایی یافت می‌شود که ممکن است هر کدام دارای معنا و مفاهیم گوناگونی باشد، به گونه‌ای که یک کلمه در بردارنده معنای لغوی، عرفی، اصطلاحی و یا قراردادی متعدد باشد که از آن، به عنوان اشتراک لفظی یا معنوی، مجازی و غیره یاد می‌کنند. تعیین معنای مورد نظر با قرینه مشخص می‌گردد. با این وصف که در اشتراک لفظی هر بار لفظ برای معنای جداگانه‌ای وضع شده است. به طور مثال، در زبان فارسی گاهی لفظ «شیر» استعمال می‌شود و حیوان شکاری مورد توجه است. گاهی همین لفظ به کار می‌رود که منظور مایع نوشیدنی است؛ گاهی این لفظ به کار گرفته می‌شود که ابزار باز و بسته شدن آب (شیر آب) مورد نظر است.

همچنین گاهی یک کلمه یا یک واژه، واحد است؛ ولی معنا دارای افراد و مصادیق متعدد کثیره است. مثلاً در اشتراک معنوی لفظ انسان یک لفظ «کلی» است و دلالت بر انسان‌های مختلف دارد؛ یعنی همه انسانند، ولی در خصوصیات فردی تفاوت دارند.

همچنین گاهی ممکن است همین لفظ استعمال شود، ولی معنای مجازی و غیر واقعی آن منظور شده باشد؛ البته باید بین معنای حقیقی لفظ با معنای مجازی آن مناسبت و شباهتی وجود داشته باشد. (رستم همچون شیر می‌غریزد) در این جا غرش حیوان جنگلی مجازاً و تمثیلاً به رستم که انسان است، نسبت داده شده است (و یا رستم همچون شیر ماند). پس این لفظ قابل انطباق بر معنای مختلف و متعدد است؛ اما هر بار این لفظ برای یک معنا به کار می‌رود، ولی با علاقه مناسب بین آن‌ها ارتباط برقرار می‌شود. حال آن‌که در اشتراک معنوی، یک لفظ و یک معنای کلی است. مثلاً لفظ «عین» را به کار می‌برند و همه معانی در آن مورد لحاظ است؛ به طوری که چشم یا چشمه و غیره مد نظر است؛ به عبارتی ممکن است یک لفظ مصادیق مختلف داشته باشد و معنای هر کدام به نوبه خود نیز مورد نظر باشد و این اشتراک، اشتراک معنوی است. به نظر می‌رسد که واژه «تاریخ» به مثابه اشتراک لفظی است. لفظ «تاریخ» با مصادیق و مفاهیم متعدد همراه است. گاهی مراد از واژه تاریخ، وقایع و حوادث تاریخی است؛ گاهی تاریخ‌های جهانی در نظر است؛ گاهی لفظ تاریخ استعمال می‌شود و سرگذشت محلی، و یا مراحل و تکوین و دقایق دودمان‌ها و غیره مورد نظر است.

اندیشمندان و دانایان این پژوهش، به‌ویژه «مورخان»، خاصه «فیلسوفان تاریخ» همواره کوشیده‌اند که تعریف و توصیف پیراسته و موجهی از این واژه را ارائه دهند؛ اما در واقع مفهوم تاریخ، در هر زمان و مکانی با فهم و درک آن زمان و مکان، مطابق و همگون است. چنان‌که ترین‌بی<sup>۱</sup>، مفسر و فیلسوف بزرگ تاریخ می‌گوید: «در هر عصر و جامعه‌ای، بررسی تاریخ مانند سایر فعالیت‌های اجتماعی، زیر سلطه گرایش‌های غالب جاری زمان و مکان است».<sup>۲</sup> - در زمان‌های بسیار در که خط کشف نشده بود و مراحل وجود تمدن و پیشرفت‌های مادی از منتهی را نداشته است، تاریخ چهره به چهره و سینه به سینه، با ذهن به‌چندان پیشرفته و کوچک آدمیان آن‌زمان‌ها شکل می‌گرفته است؛ به‌طوری‌که بعضاً با نقش روی دیواره غارها و مکان‌های متناسب با این امر، حوادث و حکایات را منقوش و منعکس ساخته‌اند. با گذشت زمان، روند تاریخ‌نگاری به‌وسیله خط و کتابت، با دقت بیش‌تر و مستندتر، صورت می‌گرفت، گرچه در این زمان هنوز از تفکر انتقادی، فلسفی، تحلیلی و از مبدء و مجهول خبری نبوده؛ گویی زنده شدن انسان بی‌روح و یا شکفته شدن دریا و شقه‌شدن ماهی و غیره به همین زمان‌ها بازمی‌گردد.

**نکته چهارم:** دوستی انسان نسبت به خاطره‌ها، جریان‌ها و سرگذشت ملل مختلف، به‌ویژه شاهان و حکومت‌ها و یا جنگ و صلح، موفقیت و

1. Arnold Joseph Toynbee (1889-1973).

۲. خلاصه دوره دوازده جلدی بررسی تاریخ تمدن، ص ۲۹.

شکست‌ها، به رشته تحریر درآوردن ماجراهای گذشته خود و آشنایی با هویت و اصالت خویش و عطش وی درباره اطلاعات بیش‌تر و کسب تجربه و عبرت‌گیری، باعث شده تا این کلمه و واژه از حساسیت بیش‌تری برخوردار شود. به همین جهت گاهی مختلط و مخدوش شده است.

**نکته پنجم:** بعضی اوقات واژه «تاریخ» با واژه‌هایی همچون اسطوره، افسانه، داستان، قصه، کلمات رمزگونه، درباری‌نویسی و غیره درآمیخته شده است و غلو، حس بزرگ‌بینی، خودنمایی و عوامل دیگر، دست‌به‌دست هم داده و نگذاشته تا این فن، از چارچوبی عقلانی و علمی برخوردار باشد. در واقع ارائه اطلاعات به صورت منسجم، منطقی و نظم‌یافته نبوده، در نتیجه ذهن پژوهشگر نیز از آشفتگی در آمان نمانده و نتوانسته است با نگرشی انتقادی و راه‌گشا به تاریخ و حوادث تاریخی، امکان درس‌گرفتن و برنامه‌ریزی در مسیر آینده را فراهم نماید؛ لذا با مسائل افسانه‌ای و دور از واقعیت‌های تاریخی در هم آمیخته شده است. تیر انداختن آرش کمانگیر از فاصله دماوند تا مری، بیش‌تر حالت اسطوره‌ای و افسانه‌ای دارد و با تاریخ واقعی و علم آن، چندان هم‌خوانی ندارد. تا آن‌جا که تاریخ اعم از گویا و مستور بیان می‌کند قدرت و توان انسان تا این اندازه نبوده که قدرت بازوانش توانایی چنین امری را داشته باشد. اگر چه در تاریخ نیز ثبت شده باشد و هدف آن تشویق و ترغیب در میهن‌دوستی و دفاع از آن باشد.

**نکته ششم:** بدون شک همگی ما، تاریخ را به معنای «تاریخ واقعی» و «آشنایی با سرنوشت گذشتگان» و «شناخت راه و رسم گذشتگان

خود» دوست داریم؛ این امر در فطرت و ضمیر ناخودآگاه بشر نهفته است. مسئله تاریخ، به مثابه علوم دیگر نیست که بخواهد جنبه کاملاً تخصصی و تک‌محصولی داشته باشد. تاریخ، انباشته از مسائل و مطالب صواب و ناصواب، پخته و ناپخته، از شلخته‌ترین نوشتار خطی و روزنامه‌ای گرفته تا بلندپروازی‌های ایده‌آلی انسان، اعم از حماسی و غیرحماسی، پهلوانی و قهرمان‌دوستی، مدرن و سنتی؛ خاطره‌ای و داستان‌پردازی است که همه با هم همراه گردیده و این پیچ‌وخم‌ها را به‌وجود آورده است. به‌ویژه که بعضی اوقات با سرنوشت سلاطین و اربابان قدرت و حتی ملت‌ها و حدود و ثغور جغرافیایی آنان گره خورده؛ که در این صورت به دلیل حساسیت بیش‌تر، با لطایف‌الحیل و کم‌وکاست‌های بیش‌تری همراه بوده است.

**نکته هفتم:** گاهی نیز به تاریخ، کم‌لطفی ر بی‌مهری شده است، که از عوامل مختلف نشأت می‌گیرد: تعصبات و احساسات بی‌محل و حقیقت‌گریز، تفحص و پژوهش‌های کم‌عمق و بی‌دقت، اُبهت و مکت‌های فریبنده و یا اجبار فرمانروایان، همه و همه ممکن است موجب تحریف و تأنی در این زمینه گردد؛ به‌عبارتی دیگر بعضی محاسنیت‌ها و حب و بغض‌ها و تعرض‌ها، فراز و نشیب‌های دوران و اوج‌گیری فعالیت‌های سیاسی و علمی و یا مشکلات عدیده دیگر در این امر، موجب عدم راه‌یابی به حقیقت شود و محدودیت واقعیت را فراهم سازد. اسناد و جریانات مادی و معنوی، مسائل فرهنگی و اجتماعی، عوامل زیست‌محیطی، شواهد عینی و... تأثیر زیادی در ثبت و ضبط حوادث و وقایع دارد.

نکته هشتم: ممکن است ورود به این مطالب و یافتن حقایق با واکنش‌ها و یا دریافت‌ها و بینش‌های مختلفی روبه‌رو شود و نوشتار نویسنده مورد نقد و بررسی قرار گیرد. «من صنف قد استهدف؛ کسی که می‌نویسد مصون از انتقاد نیست».

شاید همین امر موجب شود که پژوهشگر واقع‌گرا و حقیقت‌جو با احتیاط بیش‌تری بنویسد تا نوشتارش از عمق و حقیقت بیش‌تری بهره‌مند شود. گفتار و نوشتار مورخان باید منطبق با معیارها و میزان‌های تاریخی باشد؛ یعنی همان تاریخ واقعی، معقول و مقبول که مبرای از هرگونه افراط و تفریط است.

نکته نهم: فرآیند تجربه‌ها، عملکردها، کنش‌ها و واکنش‌ها و غیره ممکن است متفاوت و گاهی حتی متعارض باشد. یک حادثه با این‌که یک حادثه صرف است، ولی امکان دارد به شیوه‌های مختلف و بیان‌های گوناگون تعریف و توصیف شده باشد به‌طوری‌که بعضی شناخت تاریخ را امری ذهنی و غیر قابل تحقیق می‌دانستند.

نکته دهم: با این فرض که واقعیات بر فرد معلوم باشد، این تازه اول راه است؛ چرا که هر معلومی در هر نظریه و زمان و مکانی به‌کار نمی‌رود؛ زیرا دنیای زبان و فرهنگ و ارزش‌های روزمره که با آن واقعیات و معلومات را معین و مبرهن می‌کنند، مختلف و جایگاه مخصوص خود را دارند.

هیوز<sup>۱</sup> فیلسوف و تاریخ‌دان آمریکایی، در عین توضیح نظریه

ریکرت<sup>۱</sup> فیلسوف بلند آوازه آلمانی، در این زمینه می‌نویسد: «چون (ریکرت) یکسره مفهوم ارزش را اساس قرار داده بود، به‌طور ضمنی بر این دلالت می‌کرد که معرفت تاریخی از بیخ‌و‌بن ذهنی است. در عالم جامعه و تاریخ، امکان نداشت ارزش از طریقی به‌دست بیاید که درستی یا نادرستی آن، موضوع تحقیق قرار بگیرد. ارزش فقط می‌بایست از راه «شهود» حاصل شود و بنابراین، هیچ چیز صحت و اعتبار آن را تضمین نمی‌کرد و مورخ مجبور بود در نهایت بدون دلیل عقلی به ارزش‌های خود ایمان داشته باشد.»<sup>۲</sup>

**نکته یازدهم.** حاشه داشتن بر هر علمی، نیاز به شناخت کافی از واژه‌ها و اطلاعات داده شده در آن علم را دارد. هرگاه کسی بخواهد در دانشی صاحب‌نظر شود و یا حداقل آگاهی‌اش نسبت به آن بالا رود، باید زمینه‌ها و پیشینه‌ای از آن علم و دانش را بداند. شناخت واژه‌های تاریخی به‌دلیل عمر طولانی تاریخ، دارای مشکلات و ناهمگونی‌های فراوان است و نیاز به حوصله و تعمق زیاد دارد. از این‌رو، تخصصی شدن و تفکیک مباحث و مطالب ضروری به نظر می‌رسد.

ما در حد توان و با این هدف و انگیزه به این بحث پرداختیم، تا در منظر محققان و نه مبلغان قرار گیرد، تا هم درس‌مان را بازگو کرد باشیم و هم این‌که شاید مسیری در جهت تحقیق بیش‌تر و رسیدن به حقیقتی هر چند نسبی و نه مطلق، گشوده گردد.

1. H. Rickert (1863-1936).

۲. آگاهی و جامعه، ص ۱۷۰ - ۱۶۹.